

نقد هنر اسلامی و نگاه انحرافی سنت‌گرایان



شهره جوادی

دکتری تاریخ هنر، غرضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ایران

سنت‌گرایی رویکردی در فلسفه مدرن است و به مدرنیته و مدرنیسم، ایرادهای اساسی وارد می‌کند. سنت‌گراها معتقد به احیای دانش در معنای قدسی و معنوی هستند. سنت‌گرایی مسیحی-یهودی و سنت‌گرایی اسلامی همه ریشه در شرق‌شناسی انحرافی دارد که یک‌سویه و غیرعلمی، شرق و مسائل شرق و هنر و فرهنگ جهان اسلام را با تفاسیر اشتباه و غیرمنطقی دچار خدشه نموده‌اند.

سنت‌گرایان، متفکرینی هستند که با تکیه بر آئین و طریقت‌های صوفیانه مباحثی را در مبانی نظری هنر و معماری اسلامی و آثار هنری جهان به گونه‌ای احساسی و دور از عقل و استدلال تبیین نموده‌اند. این جماعت غالباً در شمال آفریقا و مصر، از طرفی در هند و شرق دور نمونه‌هایی از معماری و هنر اسلامی را دیده و به تفسیر و تعبیرهایی دست زده‌اند که غالباً مطابق واقع نبوده و هرگز به مقایسه و تحلیل هنر جهان اسلام با نمونه‌های آن در ایران به طور دقیق نپرداخته‌اند. در زمینه مسجد و مهراب، تزئینات معماری، مینیاتور، هنرهای سنتی مانند خوش‌نویسی و... آن‌چه گفته‌اند رمز و تمثیل و داستان‌سرایی است که با تقدس‌مآبی گره خورده و جایگاه عقلانی و منطقی ندارد. پرداختن به هنر مسلمانان و ابداع واژه هنر اسلامی از سوی محققان غربی، ابداعی بی‌اساس بوده و کاستی اصلی چنین مطالعاتی، عدم ارائه تعریف روشن با مواضع نظری مشخص در خصوص چنین موضوعی است.

اکثر سنت‌گرایان متفکرینی با مشی اسلام صوفیانه و با تأکید بر رمز و راز به حقیقتی فراطبیعی مشترک و جهانی در بطن سنت‌های دینی باور دارند. این جریان با «رنه‌گون»

آغاز و با «بورکهارت»، «شوان»، «کوماراسوامی»، «لینگز» و... تداوم یافت که بر دین‌شناسی تطبیقی معاصر تأثیرگذار بود. در جهان اسلام با نحله‌های عرفانی و از طرفی دیگر با آئین‌های شرق دور گره‌خورده است. این طیف از نظریه‌پردازان، آراء خود را در قالب معماری و هنر اسلامی بیان کرده و با مباحث غیرمنطقی و احساسی چنان ایجاد شبهه و ابهام نموده‌اند که سالیانی است جامعه فرهنگی- هنری ایران را دچار سردرگمی و پریشانی نموده‌اند.

متفکران سنت‌گرا در تعریف و مصداق سنت دچار اشتباه و انحراف شده‌اند؛ چرا که به سنت کهن و مشترک بین تمام ادیان جهان از اسلام، مسیحیت، یهود و ادیان شرقی آسیا باور دارند و آن را «جاویدان خرد-حکمت متعالیه» نامیده‌اند، در حالی که این تعریف مغایر تعریف سنت در اسلام و قرآن است. چنان‌که در سنت بودا، مفهوم خدا انسان‌وار بوده، اما در ادیان ابراهیمی چنین نیست. وحدت متعالی و خرد جاویدان با هدف نزدیک کردن تفکر و باورهای ادیان مختلف امری ستوده و ضروری است، اما این وحدت در ادیان غیرالهی و الهی به ویژه در اسلام و مبانی قرآنی یکسان نیست. تفاوت‌های شگرفی میان باور به خدا و سنت دینی در ادیان بودایی و هندو، مسیحیت و یهودیت و اسلام وجود دارد که به هیچ وجه نمی‌توان سنتی واحد را در این ادیان و باورها یکی دانست.

مکتب سنت‌گرایان

مکتب سنت‌گرایی که دیرزمانی است در زمینه فلسفه و عرفان و علوم دینی شکل گرفته، آغاز آن از غرب و متفکرین غربی بوده که بعضاً مسلمان شده و جریانی را بنیان‌گذاری نموده‌اند؛ که بعداً در ایران نیز به گونه‌ای ظاهر شده و در زمینه‌های هنر و معماری اسلامی جلوه‌گر شده است. از آن‌جاکه پس از انقلاب اسلامی ایران، بر مباحث مربوط به هنر و معماری اسلامی تأکید شد و ترجمه کتب و مقالات سنت‌گرایان شرقی و غربی در این باب مورد توجه قرار گرفت. به گونه‌ای که بسیار شتاب‌زده و بدون تحقیق و تفحص لازم، ترجمه مقالات، کتب و گزارشات کنگره‌ها و نشست‌هایی در باب هنر اسلامی ترجمه و منتشر شد. اشاعه این مباحث احساسی و غیرعقلانی و به دور از شواهد تاریخی جامعه دانشگاهی و محافل هنری ایران را دچار شیفتگی و از طرفی ابهام و سردرگمی نمود که سالیانی دراز این جریان ادامه یافت.

ورود به مباحث هنر و معماری اسلامی در ایران و جهان تبدیل به جریانی مقدس و شگفت‌انگیز شد که در واقع مُد روز در جامعه اسلامی- انقلابی ایران شد. غافل از این‌که این جریان با اهداف پنهان، گونه‌ای از باورهای اسلامی را در قالب هنر اسلامی دنبال می‌کند که حقیقت و واقعیت هنر اسلامی در پرده‌ای از ابهام و مقدس‌مآبی فرورفته و آن‌چه آشکار است را در پرده‌ای از ابهام پوشانیده است.

در ورود به مباحث هنر و معماری اسلامی، ضروری است که پسوند اسلامی صحیح و دقیق معنی شود. هنر دوران اسلامی هنری است، که در گذر زمان در ممالک اسلامی شکل گرفت که طبیعتاً در هر سرزمینی با پیشینه هنری آنجا تلفیق شده است، چنان‌که در ایران هنر و معماری اسلامی- ساسانی و در سرزمین‌های بیزانس هنر اسلام و بیزانسی، در اسپانیای اسلامی، اندلس هنر اسلامی- مغربی و در هندوستان هنر هندویی- بودایی با هنر

اسلامی شکل گرفته است. به تدریج و گذشت زمان و تأثیرگذاری هنرهای ایرانی بر هنر سایر ممالک و ارتباطات فرهنگی هنری، گونه‌ای از تزئینات هنر ایرانی - اسلامی را به دیگر ممالک جهان اسلام صادر نموده است. هنر دوران اسلامی هند آمیزه‌ای از هنر هند و ایرانی است. در واقع هنر سرزمین‌های اسلامی یا هنر و معماری مسلمانان در شرق و غرب عالم، گونه‌ای پالایش بوده به معنی حذف زواید و آنچه با باور دین جدید مطابق نیست و نگاه داشتن آنچه با بینش و باور اسلامی سازگار است. پی‌گیری این مسأله به جهت تاریخی و با شواهد و نمونه‌های موجود از هنر و معماری و تزئینات آن در کشورها جهان اسلام ضروری است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کم‌سوادان و فرصت‌طلبانی به سرعت کتاب‌ها و مقالات این جماعت را ترجمه نموده و اشاعه دادند. «دکتر نصر» و انجمن حکمت و فلسفه در ایران، در این قضیه سهیم و بدعت‌گذار بوده‌اند. متأسفانه در ایران وقتی همه چیز تابع مُد روز است، بحث و نظر جدیدی که مطرح می‌شود، با شتاب‌زدگی و بدون دقت و بررسی، همه به سوی آن هجوم آورده و با شیفتگی و عجولانه آنرا پی می‌گیرند و به تبلیغ و اشاعه آن می‌پردازند. اما پس از مدتی که عوارض سوء آن آشکار می‌شود، به دشواری بتوان از گزند نتیجه خلاص شد.

سنت‌گرایان، تبلیغ دین را بر نمی‌تابند، چون به گوهر و اصل مشترک، ثابت و قدسی در ادیان مختلف باور دارند. اینان پیروان ادیان مختلف را تشویق می‌کنند که در دین خود بمانند، چون جوهر و ذات ادیان یکی است و فرقی با هم ندارند. حالا این‌که خداوند برای هر قومی پیامبری نازل کرده مطابق با شرایط آن زمان و سپس پیامبران اولوالعزم، بار رسالت جهانی داشته و در نهایت پیامبر خاتم با معجزه قرآن برای آگاهی بیشتر امت جهانی نازل شده است. در این تفکر انحرافی، سنت‌گرایان چه جایگاهی دارد؟

اینان فروغ دین را به اهمیت بعد عرفانی دین نمی‌دانند. از این‌رو تفکر وحدت متعالی ادیان آنها به کثرت‌گرایی می‌انجامد زیرا با این تفکر راه‌های متفاوت و گوناگونی برای رسیدن به حقیقت باز می‌شود. نظریه انحرافی «گوهر حقیقت متعالی» را اولین بار «شوان» مطرح کرد و موج انتشار و تطبیق این نظریه با متون اسلام و قرآن به ویژه در ایران توسط دکتر نصر انجام یافت. از آنجا که دیرزمانی است این جریان تأثیر انحرافی و غلط بر جامعه هنری ما و بر افکار جوانان داشته و تدریس و تدوین آن در دانشگاه‌ها هنوز هم رایج است، ضروری است که نقد علمی و منطقی در این باب صورت پذیرد تا حقیقت و واقعیت هنر اسلامی و جایگاه آن در ارتباط با دین اسلام آشکار گردد.

سنت‌گرایان

مکتب سنت‌گرایی در تداوم شرق‌شناسی از دیدگاه غربی‌هاست (رشیدی، ۱۳۹۶). همان‌طوری که شرق را آنها برای ما شناسانده‌اند، مکتب و تفکر سنت‌گرایی هم از همان ریشه می‌باشد. بدیهی است که پژوهش‌گر یا فیلسوف غیرمسلمان که مدتی در مناطق جهان اسلام بوده، بعد مسلمان شده و شیفته زیبایی و تنوع در جلوه‌های هنر و معماری اسلامی، آن هم در کشورهای شمال آفریقا، بعضاً مصر و اندلس، بخواهد نظریه‌پردازی نماید. بدون آن‌که از سیر تاریخی و تحول و دگردیسی هنرها را قبل و پس از ورود اسلام به هر

سرزمین و بدون در نظر گرفتن دین و باور پیشین و هنرهای بومی آن آشنا باشد. با عدم شناخت، به تبیین و توصیف شعرگونه و با چاشنی آیات و روایات، احساسی برخورد نموده و براساس روح یکسان، ساری و جاری در تمام ادیان، با مبانی هنر مسیحی، بودایی و هندویی به تبیین هنر و معماری اسلامی پردازد!!!

سنت‌گرایان به ندرت هنر و معماری و تزئینات آن را و همچنین هنرهای سنتی ایران را مشاهده دقیق نموده و به شکل مقایسه‌ای با هنر جهان اسلام تطبیق داده‌اند. در حالی که مهد هنرهای اسلامی در ایران با تمدن غنی و پیشین آن بوده و هنرهایی مانند باغ‌سازی، و تزئین کاشی‌کاری و اصیل‌ترین نمونه‌های خوش‌نویسی و مینیاتور، از ایران به جهان اسلام صادر شده است. شوربختانه اندیشمندان سنت‌گرا، گام در مسیری انحرافی و به شکل ناقص و عجولانه نهاده و صد البته در پی جریانی سیاسی-استعماری به مباحث هنر اسلامی پرداخته و سالیانی است فضای هنری ایران را آلوده نموده‌اند. زمان‌هایی که تاکنون صرف شده و تداوم دارد تا این دامن آلوده پاک‌شده و به سرچشمه‌های باور و هنر و معماری اصیل ایران بازگشته شود، موجب اتلاف وقت، هزینه و گمراهی جوانان و هنرجویان شده است.

خوشنویسی

درباره هنرهای سنتی، در شاخه خوشنویسی، سنت‌گراها، نگاه متعالی و فرامادی دارند و یک منشأ الهی برای خوشنویسی قائل‌اند که مسلماً با مشکل مواجه می‌شود و موجب چالشی است که به جهت تاریخی در این راستا، سیر تحول و تطور خوشنویسی عمل و امری باطل تلقی می‌شود. ما پیش از این که خط کوفی داشته باشیم خطوط دیگری در شبه جزیره عربستان رایج بوده؛ حتی در کوفه به اسم خط حجازی یا خط نبود و... بنابراین آیا می‌توان خوشنویسی را هنری مقدس تلقی کنیم؟ یا باید سیر تاریخی را بپذیریم چون ما در تاریخ خوشنویسی مثل خیلی از مسائلی که در هنر سنتی با آن مواجه هستیم با مسائل گمی و تاریخی روبه‌رویم.

سنت‌گراها غالباً ادعایی غیرمنطقی و احساسی را با جبر و تحکم تحمیل کرده و باب هر گونه ایراد و اشکال را می‌بندند! در این عرصه بسیاری از سوءتفاهم‌ها به لحاظ شناختی باعث نظریه‌پردازی شده است. گه‌گاه می‌بینید اصلاً مبنای ادعا، یک توهم بوده؛ توهم تاریخی که زمینه شکل‌گیری مقالاتی بی‌پایه و اساس شده و ذهن خواننده را به ابهام و انحراف می‌برد. گاهی اوقات منشأ، سلیقه است (ر.ک به امانی، ۱۴۰۴).

تفاوت سنت‌ها

بی‌توجهی به تفاوت سنت‌ها با یکدیگر و حتی اختلافاتی که در درون سنت‌ها وجود دارد شبهه‌های بسیاری را به وجود آورده است. دو روحانی بر سر موضوعی استنباط متفاوت دارند؛ حال چگونه سنت‌های مختلف در شرق و غرب عالم و بین اقوام گوناگون یکی می‌شود و دارای یک جوهر یا گوهر واحد است و آن حکمت جاویدان که شریعت را هم در آن جایی نیست؟

مشکل بعدی سنت‌گرایان در بیان ناقص و گاه نادرست پیشینه تاریخی مباحث و نتیجه‌گیری

از شواهد تاریخی است. اینان کثرت‌گرایی را پذیرفته و با عدم روش‌شناسی درستی، منجر به سوء تفاهماتی شده‌اند.

این جریان درعالم فرهنگ و هنر و سیاست ریشه دارد و فقط یک جریان فکری محدود نیست، بلکه چند جریان قوی سیاسی-تجاری حامی آن است. سنت‌گرایان، عجولانه و با اطلاعات اندک، آثار هنری را در کشورهای اسلامی دیده و با توصیف و تأویل‌هایی غریب و احساسی و به دور از منطق و حتی بدون تطبیق با دوران تاریخی و صرفاً با چنگ‌زدن به معنویت و عرفان، آن هم از گونه‌ی انحرافی و با عبارات معماری و هنر اسلامی و «حکمت هنر اسلامی» قلم‌فرسایی‌ها نموده و چنان ساحت مقدس دین و هنر را آلوده نموده‌اند که سالیانی است گریبان‌گیر مجامع و محافل هنری و دانشگاهی ایران است.

میناتور

درباره نقاشی سنتی ایرانی-نگارگری یا میناتور که پیشینه‌ی آن به دیوارنگاری‌های پیش از اسلام باز می‌گردد، سنت‌گرایان تعبیر و تفسیرهایی دارند و این هنر را که در واقع تصویرسازی در خدمت شعر و ادبیات بوده به زمان و مکان‌های ماورایی و غیر این جهانی نسبت می‌دهند. بحث عالم خیال و مثال را پیش کشیده و از نور و ملکوت و ... ذهن و قلب نقاش عارف و زاهد سخن می‌گویند! در حالی‌که صحنه‌های میناتور ایرانی طبیعت و باغ و بوستان و کاخ و سراهای معمول در فضای ایرانی را نشان می‌دهد. میناتور ایرانی بیش‌تر واقع‌گرا است تا نمایش عالم غیرمادی و ملکوتی.

معماری ایرانی-اسلامی

در باب معماری ایرانی-اسلامی نیز باید یادآور شد که در معماری مردمی و حکومتی از کاخ و کاروان‌سرا تا مسجد و سایر اماکن مذهبی-اسلامی ریشه در پیشینه‌ی هنر و معماری ایران دارد. در مورد مساجد قرون اولیه‌ی اسلامی در ایران بر اساس شواهد موجود و روایات تاریخی، الگوی مسجد پیامب (مسجد شبستانی) رایج بوده، اما از قرن چهارم و پنجم هجری به بعد چارطاقی‌ها به مسجد تبدیل شده و این الگوی ایرانی تداوم یافته است. آنچه در جهان اسلام و میان مردم مسلمان در تمامی ملل جهان آشکار است، تزئینات یکسان معماری اسلامی است که به واسطه‌ی منع نقش‌پردازی از انسان و حیوان موجب پیدایش گونه‌ای از هنر هندسی و گیاهی شده که در تزئینات هنر دوران اسلامی مناطق مختلف جهان آشکار است. غالب این شیوه‌ها از ایران اسلامی به سایر نقاط جهان رفته است. باید توجه داشت آنچه به دیگر سرزمین‌ها صادر شده، در هر مکان و منطقه بنا بر پیشینه‌ی هنری و فرهنگی آن‌جا تغییر و تحولاتی داشته؛ از این‌رو هنر در سرزمین‌های مختلف اسلام با دگردیسی بر مبنای هنر قبلی آن‌جا تداوم یافته است (ر.ک به جواد، ۱۴۰۳).

موسیقی

در زمینه‌ی موسیقی اقوام و ملل مختلف در جهان اسلام نیز سنت‌گرایان مباحث و تفسیر و تأویل‌هایی به دور از واقع و بدون شناخت از سیر تاریخی این هنر اصيل دارند. شعر و موسیقی آیینی که از کهن‌ترین دوران با بشر همراه بوده و با آواهای اولیه و آلات ساده

با روح و جان مردم در تماس بوده، در گذر زمان و دوران اسلامی نیز تداوم یافته و در واقع همان جنبه مذهبی و مقدس را به گونه‌ای نو بدل نموده است. نقاشی، موسیقی و حتی معماری از کهن‌ترین دوران مقدس و آیینی بوده‌اند. چنان‌که اولین سازه‌ها در کنار سرپناه‌های اولیه نیایشگاه‌ها بوده که در گذر زمان از باور و دینی، به باور و دین جدید، منتقل شده و به حیات خویش ادامه داده‌اند. این امر در سیر تاریخی، با رجوع به آثار و شواهد موجود در جهان آشکار است. درینا! که سنت‌گرایان از این مهم غافل بوده و به داستان‌سرایی پرداخته‌اند! آنان برای همه چیز ریشه ماورایی و مقدس و برگرفته از سنت قائل‌اند؛ در حالی‌که تعریف و باورشان از سنت امری غلط و انحرافی است. جاودان خرد و سنت الهی را که ساری و جاری در ادیان و باورهای گوناگون می‌دانند، از اساس به بی‌راهه رفته‌اند. در زمینه موسیقی به جهت تکنیک، معنا و محتوی، اظهارات خلاف واقع و سراسر شبهه و ابهام دارند.

جمع‌بندی

آرای بورکهارت، شوان و نصر، در زمینه‌های مختلف هنر و معماری اسلامی چنان بی‌پایه و اساس است که غیر از انحراف و سردرگمی در مبانی و مصداق‌های هنر اسلامی چیزی را بر نمی‌تابد.

از نمونه‌های این اظهارات به نکات ذیل در باب مینیاتور می‌توان اشاره کرد که بورکهارت می‌گوید:

«آن‌چه که به مینیاتور، زیبایی تقریباً بی‌نظیری می‌بخشد، آن‌چنان که گمان می‌رود صحنه‌ای که تصویر می‌کند نیست، بلکه شکوه‌مندی و سادگی جو شاعرانه‌ای است که در سراسر آن جریان دارد».

«مینیاتور ایرانی، به‌دلیل خصوصیات معیاری آن می‌تواند برای بیان شهود عرفانی مورد استفاده قرار گیرد. این کیفیت خاص تا اندازه‌ای ناشی از جو شیعی است که در آن حد فاصل میان شریعت و الهام به مراتب کمتر از عالم تسنن است»؟!.

مینیاتور تا دوران صفوی که حکام و سفارش‌دهنده‌گان همه سنی بودند، چگونه در تعبیرات فوق می‌گنجد؟!.

نقاشی ایرانی به‌طور کلی هر سوژه‌ای داشته باشد، در باغ و حیاط ایرانی و در دل طبیعت جلوه‌گر شده است (رج. به: جوادی ۱۳۸۳).

منابع

- امانی، حجت‌الله. (۱۴۰۴). نقد آرای سنت‌گرایان در باب خوش‌نویسی اسلامی. *باغ نظر*، ۲۲ (۱۴۸): ۷۹-۸۴.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۳). منظرپردازی در نگارگری ایران. *باغ نظر*، ۱ (۱): ۱.
- جوادی، شهره. (۱۴۰۳). ضرورت پرداختن به نقد در زمینه هنر و معماری اسلامی. *هنر و تمدن شرق*، ۱۲ (۴۵): ۵.
- رشیدی، صادق. (۱۳۹۶). *هنر پیر/اسلامی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/version4/>)

